

تماشاخانه

محمدرضا تقفی | کارتونست | email: sunysaghafi@yahoo.com



تکالیف مهارت محور (مثل خرید روزانه) به جای مشق شب



شهروند

فلکه اول

اندر فواید موتورسیکلت | شهاب نبوی | اون روزها که توی بیک موتوری کار می کردم، اتفاقات جالبی می افتاد برام. کلا هم شغل خیلی خوبی بود. حداقلش این بود که توی ترافیک گیر نمی کردم. اولش خوب بلد نبودم چی کار کنم و مثل این عزیزان اسکلر، پشت چراغ قرمز و ترافیک و اینا می ایستادم، اما به روز دقت کردم و دیدم توی همت موندنم و به غیر از من هیچ موتور دیگه ای دیده نمیشه. موتورم دیگه خودش به حرف اومد و گفت: «چلغوز، پشت مرسدس ننشستی که؛ جوخ آب رونگه کن، پُر موتورِه اونو گذاشتند که وقتی ترافیکه ما از اون جابریم، گمشو برو توی جوخ.» انداختم توی جوخ و خیلی خوشم اومد. دیگه ولم می کردی می رفتم توی این جور جاهای تنگ و تاریک، یا می رفتم روی پل عابر، یا ساز روی جدول ها به صورت تعادلی حرکت می کردم. پیاده رو هم که کلاتوی کشور های متمدن معروفه به اتوبان کوچولو، یعنی ساختنش که موتور ها از توش رد بشن و برن به کار و زندگی شون برسن، به وقتایی هم که حتی پیاده رو و جوخ و اینا شلوغ بود، به صورت «ویز سر خود» حرکت می کردیم و رنگ می زدیم به هم و مسخریایی می کردیم. مثلا یه بار چهارراه آقا سیروس اینا، گیر کرده بودم، رنگ زدم همکارم و بهش گفتم: «کجایی؟ من پیش سیروس گیر کردم.» اول بد برداشتم ولی بعدش بهم گفتم: «ببین از سر سیروس تا توش، همه پشت بوما به هم وصله. یه پاساژ اون جا هست، درش همیشه مثل گراز بازه، برو رو پشت بومش و بعد برو به سلامت. فقط روی هر پشت بوم که رسیدی یه باله بگو که مشغول ذمه نشی.» خلاصه جای پر اید و اینا، موتور بخریده موتور خوبه هم خودتون راحت تریده، هم احتمال مرگتون بیشتره توی این گرنی خرج روی دست مملکت نمی ذارید.

شنود

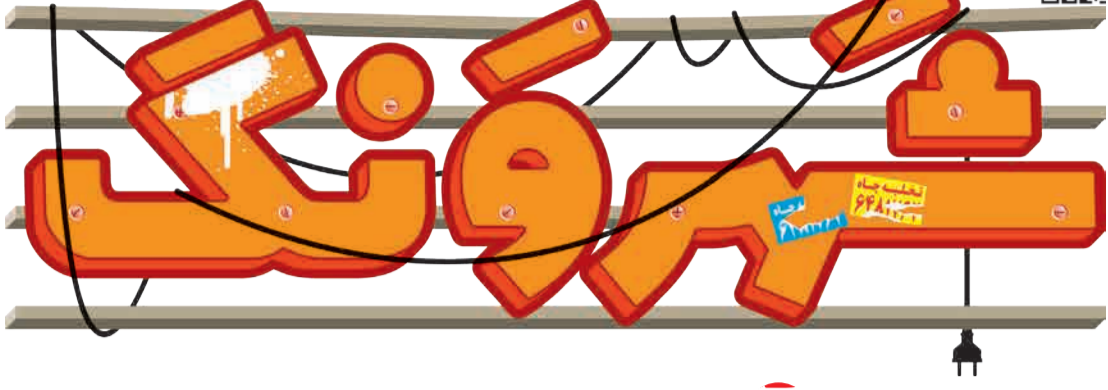
دوربین مدار بسته

پشت صحنه شهر و نگ
به روایت دوربین مدار بسته

گرفتاری های شهر و نگ

به هر حال بی بدبختی خودشان هستند. مثل همین سوشیانس شجاعی فرد که با بورو ۱۸ تومانی رفته اروپا را می گردد. من شک ندارم خود اروپایی ها هم اگر بفهمند برای یک آب معدنی ۲۰ هزار تومن پول می دهد، دیپورتش می کنند یا مثلا همین وحید میرزایی کسی فکرش را هم نمی کرد در انتخاب همسر این قدر زرتنگ باشد. جدیدا یک پایش اینور است یک پایش توی جشنواره های خارجی، البته نه اینکه فکر کنی میرزایی جایی کاندیدا شده یا جایزه ای برده، نه. اما همسرش (ناهید زمانی) تا دلتان بخواد دارد به خاطر کار یکتا تو هایش مدال درو می کنی و میرزایی هم برای حمل مدال ها جوایز پشت سرش می رود و توی همه عکس های جشنواره ها توری خودش را جامی دهد که انگار ایشون کشیده و ناهید خانم فقط رنگ آمیزی کرده از آن طرف هادی حیدری گوشه تحریریه هم که ننشسته و برای خودش یک خط صاف می کشد، عده ای از لای شمشادها می پرند بیرون و می چسبند به شیشه پنجره و می گویند «با توجه به سوابقون کاملا مشهوده چه نیت شومی با کشیدن این خط صاف داشتید» و

پیراگفتم: به ما شد عرصه تنگ جز شکیبایی چه باشد راهکار؟
توی دنیای پراز اندوه و جنگ خنده کرد و داد پاسخ: «شهر و نگ»



گمشدگان

کله بزی ابن سینا بار ایه خدمات پاچه!
شهرام شهیدی
طنز نویس

هنوز که هنوز سال تحصیلی درست و حسابی شروع نشده است، بهانه های زیادی وجود دارد. مشخص نبودن سروس مدارس، تمام نشدن کلاس بندی ها و ... باعث می شود مدارس هفته اول تق و لقی باشند. البته دلیل مهمترش این است که فاصله اول مهر تا نخستین شنبه بعد از آن یک جور بین تعطیلی حساب می شود و الان مادر همان برهه حساس قرار دارم. در واقع اکثریت خاموش این جامعه، به بهانه فرزند سالاری این چند روز را هم تعطیل کرده و به گشت و گذار در دشت و دمن ادامه می دهند تا فرزند پرومندان بار و حویه بهتری سال تحصیلی را شروع کند و در درس های کمتری تجدید شود. الان به من اشاره کردند که از مرحله پرت هستم و در نظام آموزشی دیگر تجدید و تک ماده نداریم و سیستم نمره دهی به این صورت درآمد:



شهر فرنگ

مهدی کریم زاده | کارتونست

بازی

منبع: کارتون استودیو KarimzadehStudio

شهر و نگ